

## نشست علمی تخصصی هنر ، معماری و شهرسازی عصر پنجشنبه ها

محل برگزاری: سالن اجتماعات مهندسين مشاور هرم پی

زمان: پنجشنبه ۹ بهمن ۱۳۹۳

عنوان: اپرای عروسک پشت پرده (رابطه صادق هدایت و هنر)

سخنرانان و اعضای پنل: آقای دکتر امیر مهیار تفرشی پور، آقای جهانگیر هدایت



سی و چهارمین نشست از سلسله نشست های علمی تخصصی هنر، معماری و شهرسازی عصر پنجشنبه ها با موضوع اپرای عروسک پشت پرده برگزار شد. این نشست به صادق هدایت، نویسنده و مترجم معاصر ایرانی اختصاص یافت و رابطه صادق هدایت با هنر مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

چکیده‌ای از سخنرانی‌ها به شرح زیر می‌باشد.

**سخنران اول جناب آقای جهانگیر هدایت** برادر زاده آقای مرحوم صادق هدایت به رابطه صادق هدایت با موسیقی پرداختند و از خاطرات کودکی خود در آن دوران گفتند: هنگامی که صادق هدایت از اروپا برگشت یک گرامافون همراه خود آورد. گرامافون کوچکی بود زیرا در آن زمان تهران برق نداشت. او مرتباً صفحه های موسیقی فرنگی گوش می داد و بعضی اوقات آهنگ هایی را در اتاق شخصی خودش سوت می زد.

موسسه ای به نام "بنیاد هدایت" وجود دارد که مرکز آن در اروپاست و بسیاری از فعالیت های ما مربوط به همین بنیاد است.

ما طی یک سال گذشته شروع کردیم به ساختن فایل های صوتی داستان های کوتاه صادق هدایت. تا کنون ۲۴ داستان آماده شده است. دو سایت بین المللی وجود دارد که این داستان ها بر روی این دو سایت قرار می گیرد.

یکی از داستان های کوتاه معروف صادق هدایت "سه قطره خون" است که یکی از روان داستانهای هدایت است. نکته جالبی در این داستان وجود دارد و آن اینکه تنها داستانی از مجموعه داستان های صادق هدایت است که در آن او برای داستان خودش شعر گفته است. و این شعر، تنها شعر هدایت است.

آقای جهانگیر به سراغ شاهکار هدایت رفتند که همان "بوف کور" است. بوف کور به ۲۹ زبان در دنیا ترجمه شده است. معروفیت بوف کور نیز باعث شد که صادق هدایت جنبه بین المللی پیدا کند.

ما به دلیل مشکلاتی آثار هدایت را در انگلستان به فارسی و بدون سانسور چاپ کردیم و پخش این کتاب ها را به آمازون دادیم.

نویسنده اگر کارش را درست انجام دهد هیچ گاه نمی میرد و کتاب هم هیچ وقت کهنه نمی شود. این مسئله در مورد هدایت و آثارش، بخصوص بوف کور، کاملاً آشکار است.

آقای جهانگیر هدایت معتقدند که قسمتی از بوف کور شعر است و ایشان در کتاب بوف کور بخشی را به شعرگونه ها اختصاص داده اند.

تاکنون در دنیا ۷۰ کتاب درباره بوف کور به زبان های مختلف نوشته شده و همچنان نوشته می شود. ما با دانشگاه های انگلیسی زبان در ارتباط هستیم و در قسمت ادبیات فارسی که همه ی آن ها دارند، تز دانشجویان بخصوص در مقطع فوق لیسانس اغلب بوف کور است.

عده ای اصلاً بوف کور را نمی فهمند و در مورد آن سلاقی زیادی وجود دارد. یک مورخ جنبه ی تاریخی به بوف کور داده، یک روانشناس جنبه ی روانشناسی و همینطور یک استاد ادبیات به جنبه ی ادبی آن توجه کرده است.

در بعضی کتب به شعرگونه و آهنگین بودن بوف کور اشاره شده است و این نخستین بار است که هم سانی موسیقی کلاسیک و بخصوص سمفونی ۶ چایکوفسکی با بوف کور مطرح می شود که در نوع خود بسیار جالب و نو می باشد.

محمدرضا قربانی درباره آهنگین بودن بوف کور چنین می نویسد: یکی از عناصر اصلی داستان های هدایت را موسیقی تشکیل می دهد. موسیقی همچون خون در رگهای انسان و همچون هوای اطراف ما در لا به لای اکثر داستان های هدایت جریان دارد و تاثیر حوادث آنها را با طنین زیبا و مسحورکننده خود دوچندان می سازد. علاوه بر بوف کور که خود سراسر موسیقی است، هدایت حضور موسیقی را در زندگی مردم و همراه با کار و تلاش روزانه شان جزئی جدایی ناپذیر از حیات آنها می داند.

#### **سخنران دوم جناب آقای دکتر امیرمهبیار تفرشی پور به هنر اپرا پرداختند :**

هنر اپرا بسیار گسترده است و صحبت کردن در مورد آن به جلسات متعددی نیاز دارد. این هنر اروپایی، موسیقی کلاسیک، باله، تاریخ هنر اروپا و همینطور موسیقی آوازی اروپایی را باید شناخت. این هنر یکی از تکمیل ترین هنرهای موسیقی از لحاظ فرم است و تنها فرمی است که از قرن هفدهم تا به امروز همچنان به آن پرداخته می شود و آهنگسازان همچنان به فکر نوشتن اپرا هستند. برای هر آهنگساز بزرگترین موفقیت است که بتواند اپرایی بنویسد. به عقیده وی، موسیقی به صورت تصویری، فقط در اپرا می تواند در کامل ترین فرم خود تجلی پیدا کند. اپرا همیشه هنری بوده که چند عنصر را در بر می گرفته از جمله رقص، طراحی صحنه، نوازندگی، سالی که این هنر برای اجرا احتیاج دارد، نویسنده ی اپرا، فردی که متن دیالوگ ها را می نویسد، خواننده، نورپردازی و غیره. بنابراین گران ترین نوع موسیقی است. اپرایی که ما می شناسیم در حقیقت متولد ایتالیاست. ولی این تنها فرمی نیست که از اپرا پیدا می شود. سبکی که بعداً در دوره ی کلاسیک توسط آهنگسازها نامیده شد، اپرا بوف بود. اپرا بوف در حقیقت نقطه ی مقابل اپرا سرباست. همانقدر که اپرا سربا جدی است، در اپرا بوف می توانید از مردم عادی و رئالیسم در داستان ها استفاده کنید که این فرم موسیقی را کاملاً تغییر می دهد. در موسیقی اپرا بوف از سازهای بیشتری استفاده می شود. خود موسیقی هم تغییر می کند و در بیشتر موارد به حالت کُمیک در می آید. موتزارت از آهنگسازهایی است که سهم بیشتری در این موسیقی دارد.